

تحلیل سیاسی هفته (۷۴) انتخابات سرنوشت ساز افغانستان: اهمیت داخلی و ابعاد بین المللی

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۱۳۵۷۷-۲۶۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱/۱۹

نویسنده: پیرمحمد ملازهی

مقدمه

سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای محلی در افغانستان روز شانزدهم فروردین ماه ۱۳۹۳ تحت شدیدترین تدابیر امنیتی برگزار شد. شرکت گسترده زنان، جوانان، افراد مسن و توده‌های مردم در این انتخابات معادلات جدیدی را در افغانستان مطرح کرده است. گستردگی شرکت در انتخابات و کمبود ورقه‌های رأی‌دهی در برخی از حوزه‌ها باعث شد که مردم ساعت‌ها در صف‌های طویل باقی بمانند و بدون آنکه موفق شوند رأی خود را به صندوق بریزند با خشم و نارضایتی و بدون دریافت پاسخی روشن از طرف مسئولان به خانه‌هایشان باز گردند. در عین حال نحوه فعالیت کمیسیون مستقل انتخابات از سوی برخی افراد زیر سؤال رفته است و دو برداشت بدبینانه (عمدی بودن) و خوش‌بینانه (سهل‌انگاری) در مورد عملکرد این کمیسیون شکل گرفته است. به ویژه آنکه برگه‌های رأی در مناطق قومی غیرپشتون با کمبود شدید روبرو بوده ولی در شرق و جنوب که پشتون نشین هستند، طبق اطلاعات منتشر شده مازاد ورقه امکان تقلب را تسهیل کرده بود. علاوه بر این، ورقه‌های رأی برای شوراهای محلی با کمبود روبرو نشده است.

ویژگی‌های انتخابات افغانستان

جدا از تهدیدات گسترده طالبان که شرکت‌کنندگان و انتخابات را تهدید به مرگ کرده بودند و قطع نظر از شرایط نامناسب جوی و نیز بروز مشکلات فنی در زمان رأی‌گیری، سومین دور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان از زاویه پیامدهای احتمالی آن بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که صاحب‌نظران، آن را نقطه عطفی در ساختار قدرت در این کشور ارزیابی می‌کنند. این انتخابات همچنین چند ویژگی خاص داشت که مهمترین آنها را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. شرکت مردم به ویژه زنان و جوانان در انتخابات بی‌سابقه بوده است،
۲. اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی مدرن، تلویزیون، اینترنت بی‌سابقه بوده است،
۳. تأمین امنیت به وسیله نیروهای امنیتی افغان و بدون دخالت آمریکا و ناتو در سطح بالایی صورت گرفت،
۴. مدیریت انتخابات کاملاً افغانی بود و آزمون موفق به دست داد،
۵. تهدید طالبان مبنی بر اینکه روند انتخابات را مختل خواهند کرد عملاً خنثی شد.

آثار و پیامدها

با عنایت به موارد فوق می‌توان پیامدهای انتخابات شانزدهم فروردین ریاست جمهوری و شوراهای محلی را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار داد و بر این مبنا آینده صلح و ثبات، توسعه و پیشرفت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی افغانستان را در گرو چگونگی انتقال مشروع و مسالمت‌آمیز قدرت برای اولین بار در تاریخ حیات سیاسی این

کشور دانست. چراکه در گذشته همواره قدرت از طریق جنگ، کودتا و تصرف قهرآمیز عملی می‌شد. در واقع می‌توان گفت که اولین بار است جابجایی قدرت در روندی دمکراتیک و از طریق صندوق رأی به انجام می‌رسد و این می‌تواند دستاوردی مهم به حساب آید. بنابراین پیامدها و انتظارات شکل گرفته در قبال این انتخابات بسیار مهم و سرنوشت‌ساز خواهد بود.

الف) پیامدهای احتمالی داخلی

انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای محلی افغانستان بدون شک با پیامدهای مهم داخلی روبرو خواهد بود، اما مهمتر از نحوه برگزاری انتخابات و میزان مشارکت ۵۸ درصدی واجدین شرایط، چگونگی صیانت از رأی مردم در مرحله شمارش و اعلام نتایج آرا اهمیت بسیار زیادی دارد به‌ویژه که برخی تردیدها در قبال این موضوع در حال شکل‌گیری است. به‌طور کلی می‌توان پیامدهای انتخابات را در قالب سه جریان مؤثر در تحولات جاری افغانستان مهم ارزیابی کرد:

۱. تیم حاکم تکنوکرات و لیبرال حول محور حامد کرزای و برآمده از توافق بن اول،

۲. اپوزیسیون رسمی داخلی حول محور تیم اصلاحات فرهنگی به رهبری دکتر عبدالله عبدالله،

۳. اپوزیسیون خارج از ساخت قدرت حول محور طالبان به رهبری ملا محمد عمر.

واقعیت آن است که تیم تکنوکرات و لیبرال خواهان تداوم قدرت خود است و چشم به پیروزی زلمی رسول و یا اشرف غنی احمد زی دارد. این گروه خود را نماینده اکثریت پشتون جامعه افغان می‌داند که به لحاظ ذهنی قدرت را حق انحصاری و تاریخی خود قلمداد می‌کند و واگذاری قدرت در هیچ شکلی را به نامزدی از قوم دیگر نمی‌پذیرد. سابقه بیش از ۲۵۰ سال قدرت پشتون‌ها غیر از مواردی معدود از جمله سلطنت ۹ ماهه حبیب‌اله خان کلکی و برهان‌الدین ربانی که قدرتش ۲ سال بیشتر دوام نیافت، پشتوانه انحصارگری قدرت در قبایل پشتون است و گروه حاکم امیدوار به بهره‌گیری از این سنت قومی برای حفظ قدرت است. نوعی تجربه و الگوی پوتین - مدودوف در روسیه و تکرار آن (زلمی رسول - کرزای) مدنظر آنها قرار دارد. نگرانی از بروز تقلب و تکرار شرایط انتخابات سال ۲۰۰۴ ریشه در همین واقعیت دارد. خطر در این است که اگر نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری با خواست اکثریت رأی‌دهندگان همخوانی پیدا نکند شائبه تقلب تقویت می‌شود و ممکن است جناح دکتر عبدالله نتایج را نپذیرد که در آن صورت بروز بحران در سطح جنگ داخلی حتی تجزیه قومی افغانستان قابلیت ارتقا خواهد یافت. به‌ویژه بحث کمبود ورقه‌های رأی‌گیری در مناطق مورد انتظار هواداران همین گروه با بدبینی همراه بوده و آن را بخشی از تمهیدات برای زمینه‌سازی جهت کشاندن انتخابات به دور دوم و پیروزی نامزد پشتون دانسته‌اند. واقعیت مهم دوم آن است که شواهد ظاهری حکایت از پیشرو بودن اپوزیسیون داخلی و دکتر عبدالله عبدالله دارد و این تیم خود را برنده انتخابات خواهد دانست. اگر نتایج خلاف این باشد و اتفاقاتی خارج از انتظارات به‌وجود آید پذیرش نتایج انتخابات بسیار دشوار خواهد شد و به این ذهنیت دامن خواهد زد که مصلحت‌گرایی قومی - سیاسی و نه رأی مردم نتایج را رقم زده است. تصور می‌شود گروه اصلاح و همبستگی امید دارد که تحول قدرت به‌صورتی آرام و با بهره‌گیری از سازوکارهای دمکراتیک امکان‌پذیر شود و دولت جدید بتواند زمینه دستیابی به صلح و آشتی ملی و توسعه و پیشرفت پایدار در کشور را محقق سازد.

اما بدون شک طالبان بازنده اصلی این انتخابات بودند و جزء موارد محدودی در مناطق دوردست در ولایات شرقی نزدیک به خط مرزی نتوانستند در روند کلی برگزاری انتخابات خللی جدی به‌وجود آورند. این انتخابات نشان داد که افغان‌ها تصمیم خود را گرفته‌اند و به دنبال اصلاح ساختار قدرت و دمکراتیک و مدرن کردن آن هستند و به افراط‌گرایی قومی و ایدئولوژیک «نه» بزرگی گفته‌اند. البته اینکه چنین امری باعث تغییر راهبردهای خصمانه طالبان شود امری

خوشبینانه است با این حال ممکن است جریان افراط را مجبور به نوعی تجدیدنظر محدود در سیاست‌های خود نماید.

ب) پیامدهای منطقه‌ای

در سطح منطقه، انتخابات افغانستان در دو سطح همسایگان و کشورهای صاحب نفوذ قابل توجه خواهد بود. در میان همسایگان این کشور، پاکستان، ایران و کشورهای آسیای مرکزی به دلیل تداوم قومی‌شان در داخل افغانستان نسبت به تحولات آن حساس هستند. پاکستان نسبت به مسائل قوم پشتون حساس بوده و ایران نیز همین حساسیت را نسبت به اقوام غیرپشتون از جمله تاجیک‌ها و هزاره‌های شیعه دارد. بنابراین پیروزی نامزد پشتون یا تاجیک در سیاست‌های آینده این دو همسایه مؤثر افغانستان تعیین‌کننده خواهد بود. تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان هم به دلیل تداوم قومی‌شان در افغانستان علی‌القاعده باید نگران رشد افراط‌گرایی در میان پشتون‌ها باشند.

ج) در سطح بین‌المللی

انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان در درجه اول برای آمریکا و ناتو و در مرحله بعد برای روسیه و چین مهم است. همه نامزدها تقریباً امضای معاهده امنیتی پیشنهادی آمریکا که حامد کرزای حاضر به امضای آن نشده است را پذیرفته‌اند. بنابراین رئیس‌جمهور افغانستان هر کسی باشد ادامه حضور نظامی آمریکا و ناتو در این کشور حداقل طی ده سال آینده قطعی است. امری که رقابت‌های بین‌المللی بین منابع جهانی قدرت را در افغانستان تشدید کرده و به احتمال زیاد این کشور را وارد بازی جدید رقابت آمریکا - اروپا - روسیه و چین خواهد کرد. رقابتی که با احتساب تحولات اوکراین و سوریه به نوبه خود نشانه‌ای از بروز جنگ سرد جدید بین «ناتو» و «شانگهای» تلقی خواهد شد.

گذشته از پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای محلی در افغانستان از زوایای دیگر هم سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده خواهد بود. در داخل، جدال بر سر سازوکارهای سنتی و مدرن افزایش می‌یابد و ممکن است شکاف بین‌نسلی عمیق‌تر شود. جدالی که در ساخت قدرت متمرکز و انحصارطلبانه قومی و ایدئولوژیک شدیداً سنت‌گرای پشتون و گرایش به مدرنیسم نسل جوان و تحول‌خواه افغان حول محور اصلاح و همگرایی و توزیع قدرت در قالب نوعی نظام فدرال تمرکز یافته است. پیروزی هرکدام از این دو دیدگاه می‌تواند افغانستان را با چالش‌های جدی روبرو سازد - شرکت فعال زنان و جوانان «فیس‌بوکی» مؤید چنین برداشتی است - از این رو می‌توان گفت این انتخابات، افغانستان را وارد مرحله نوینی کرده است که در آن ساخت قدرت درگیر چالش‌های جدی است. سنت و مدرنیسم در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند و اصلاح‌طلبی و افراط‌گرایی ایدئولوژیک و قومی دست به مقاومت زده‌اند. بحث این است که پیروزی نامزد جناح پشتون چگونه می‌تواند جامعه‌ای قبیله‌ای و شدیداً سنت‌گرا را که به صورت تاریخی قدرت در عالی‌ترین سطحش را از «لویه جرگه» طلب می‌کند با نهادهای مدرن نظیر مجلس ملی - مجالس محلی و نهاد انتخاباتی ریاست‌جمهوری تطبیق دهد. در ذهنیت اقلیت‌های غیرپشتون دوران انحصارطلبی قدرت قومی پشتون و انحصارطلبی ایدئولوژیک طالبانی هر دو به پایان رسیده است و شرکت گسترده زنان و جوانان در انتخابات فصل‌الخطابی در همین باره تلقی شده است.

درک این تحول در جمهوری اسلامی ایران راهبرد آینده نظام اسلامی با تحولات افغانستان را مشخص خواهد ساخت. در معادله منطقه‌ای، ایران، هند و تاحدی کشورهای آسیای مرکزی، منافع استراتژیک خود را در تحول مسالمت‌آمیز قدرت بر مبنای شایسته‌سالاری خواهند یافت و پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی روی

پیروزی تفکر قومی پشتون و ایدئولوژی افراطی طالبان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. راهبرد آمریکا و اروپا در افغانستان تجزیه قدرت ملی افغان‌ها و تأکید بر خطر طالبان و رادیکال‌های اسلامی به‌منظور تحقق استراتژی حضور بلندمدت در این کشور است که شکل نهایی آن در طرح ژنرال پطرائوس برای واگذاری جغرافیا در مناطق قبایلی پشتون در هر دو سوی خط مرزی دیوراند آمده است و گمان می‌رود استارت آن در همین انتخابات زده شده باشد. به‌ویژه اگر نارضایتی از نتایج انتخابات جنبه قومی بیابد و قومیت‌های غیرپشتون حاضر به پذیرش بازسازی قدرت پشتون از طریق انتخابات نشوند، فرصت برای آمریکا جهت تجزیه قومی در منطقه مهیا خواهد شد. در این صورت زمینه اجرای طرح پطرائوس مبنی بر ایجاد پشتونستان بزرگ و احیاناً بلوچستان بزرگ و کشور اسماعیلی بدخشان در حوزه پامیر مساعدتر از هر زمان دیگری خواهد شد.

با توجه به این‌گونه مسائل است که گفته می‌شود انتخابات اخیر افغانستان بسیار سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده روند تحولات آتی خواهد بود.

